

پروین تاج‌بخش*

نقدی بر «سی قصیده ناصر خسرو»**

«تزدیک خرد گوهر بقا را
از دانش به هیچ کیمیا نیست
الفنج گه دانش این سرای است
اینجا بطلب هر چه مر ترا نیست
داروی بدی و خطاست توبه
آن کیست که او را بد و خطا نیست؟»
(دیوان ص ۱۱۵)

چکیده:

نوشته‌ای که پیش رو دارید نقدی بر کتاب «سی قصیده ناصر خسرو» است که به همت مؤلف ارجمند دکتر علی اصغر حلبی تدوین شده است. شارح

* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور رشت
** تألیف دکتر علی اصغر حلبی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور،
چاپ نهم، اردیبهشت ۱۳۷۸

محترم در این کتاب بر آن بوده‌اند که با گزارشی واقع‌بینانه از قصاید برگزیده، افق‌های روشنی از اندیشه‌های شاعر به دست دهند و به حق تا حد زیادی هم در این کار موفق بوده‌اند.

نگارنده در این مقاله می‌کوشد کتاب شارح را که از جمله کتابهای دانشگاهی است به دقت مطالعه کند و فهرستی از خطاهای چاپی و نگارشی و کاستی‌های بخش توضیحات و ضبط و ارجاع نادرست ابیات را به حضور گرانقدرش تقدیم نماید. باشد که ایشان در صورت صوابدید، زمینه اصلاح آنها را در چاپهای بعدی فراهم آورند.

«سی‌قصیده ناصر خسرو» از سری کتابهای درسی دانشگاه پیام نور، عنوان اثری است که به کوشش استاد فرزانه جناب آقای دکتر علی اصغر حلبی برای رشته زبان و ادبیات فارسی تدوین شده است. این کتاب پس از زمان کوتاهی در سال (۱۳۷۳) با عنوان «گزیده هفده قصیده از ناصر خسرو قبادیانی» در اختیار دوستان ادب فارسی قرار گرفت.

در اولین نگاه، عنوان اشتباه «سی‌قصیده» (به جای هفده قصیده) پر روی جلد کتاب درسی، «شرح سی‌قصیده از ناصر خسرو» به همت دکتر مهدی محقق را در ذهن تداعی می‌کرد و به نگارنده نهیب می‌زند که چنین خطایی در اولین فرصت یا دومین چاپ و در نهایت تجدیدنظر بعدی اصلاح خواهد شد. اما نه تنها چنین نشد و عنوان کتاب در چاپهای بعدی تغییر نکرد، بلکه چشم بد دور - هنوز هم این عنوان نادرست در نهمین چاپ (اولین چاپ قطعی) به همراه تجدیدنظر مؤلف بر قامت آن خودنمایی می‌کند.

نگارنده با توجه به دیگر آثار ارزشمند دکتر حلبی و به پاس حرمت

فراوانی که برای ایشان قایل است، بر آن شد که اغلاط چاپی و نگارشی، کاستی‌های بخش توضیحات و ضبط و ارجاع نادرست ابیات و... را فهرست کند و به محضر گرانقدرش تقدیم نماید.

طبیعی است که تذکر نکات نگارشی و چاپی و جلب دقت اهل قلم در کار نوشتن موجب شرمندگی است ولی چاره‌ای نیست که گفته شود... محک شناخت اهل علم، گفتار و نوشتار است و اغلاط از هر دست و نوعی که باشد از اعتبار کاتب و مکتوب می‌کاهد. همچنین به سبب بُعد آموزشی، کتابی می‌تواند اعتماد دانشجویان را به خود جلب کند که منقح و پیراسته از تقایص مطبعی و اغلاط نگارشی باشد. دکتر حلبی در آخرین تجدیدنظر، مطالب تازه‌ای را بر کتاب افزوده‌اند. این نکات با آن که جالب و لازم‌اند، کافی نیستند.

باید اذعان کرد مؤلف در این کتاب کوشیده‌اند تا فراگیران پیام نور را در مطالعه و فهم بهتر مطالب رهنمون شوند. شرح ابیات به گونه‌ای است که تقریباً دانشجویان را از حضور در کلاس بی‌نیاز می‌کند. جاذبه نثر روان و پویا به همراه شواهد شعری فارسی و عربی و بیان اشارات و تلمیحات، به حقیقت دشواری‌های اشعار ناصرخسرو را بر خواننده آسان می‌سازد و در تشحید ذهن فراگیر بسیار پرفایده است.

از جمله زمینه‌هایی که اصلاح آن بر جنبه آموزشی کتاب می‌افزاید و به آن غنای بیشتری می‌بخشد توجه به نکاتی است که به اختصار به آنها اشاره می‌شود:

الف - کاستی‌های بخش توضیحات.

ب - ضبط و ارجاع نادرست ابیات.

ج - نکاتی درباره خودآزمایی‌ها و هدفهای آموزشی.

د - غلطهای چاپی و نگارشی.

نگارنده می‌کوشد از شرح و بسط اضافی کلام بپرهیزد و مقال خود را با ذکر مطالبی که در زیر هر عنوان فهرست می‌کند، به پایان برد.

الف - کاستی‌های بخش توضیحات

۱- مؤلف محترم در بخش توضیحات از معنی کردن ساده‌ترین لغات قلم بازنگرفته‌اند و حتی گاهی معنی یک کلمه را در صفحات مختلف تکرار کرده‌اند. درست است که کتابهای پیام نور به سبب آموزش از راه دور به توضیح و تفسیر بیشتری نیاز دارد، اما معنی کردن واژه‌هایی چون ژرف (ص ۱۸)، به (ص ۱۹)، بی‌خرد (ص ۲۱)، سرو (ص ۲۶)، چو (ص ۳۴)، خلق (ص ۳۴ و ۹۰)، طاعت (ص ۳۳)، جاهل (ص ۴۰)، چون (ص ۴۰)، می‌فروش (ص ۴۱)، کاستن (ص ۴۵)، حکیم (ص ۴۸ و ۶۸)، عادل و قاضی (ص ۵۴)، عذر (ص ۶۲)، علم (ص ۸۰)، نیز (ص ۸۷)، خرد (ص ۹۷) و... آن هم در سطح دانشگاه جز پخته‌خوار بار آوردن دانشجو فایده‌ای ندارد. گذشته از آن، تکرار معنی یک واژه در صفحات دیگر، ناخواسته موجب حجیم شدن کتاب می‌شود. شایسته بود شارح محترم با معنی کردن یک لغت در یک جا، خواننده را در موارد بعدی به همان صفحه ارجاع می‌دادند.

۲- ص ۲۰ ب ۱۹: در توضیح بیت می‌خوانیم: «زیرا دیده را فایده

آن است که بنگرد از کجا آمده است...» کاربرد «را» به معنی حرف اضافه در بخش‌های مختلف کتاب فراوان به چشم می‌خورد؛ مؤلف محترم نثر روان امروز را با نثر کهن درمی‌آمیزند. برای نمونه ص ۵۳ ب ۳ و ۶، ص ۵۶ ب ۱۹ و ۲۰، ص

۹۱ ب ۱۹، ص ۱۲۰ ب ۷ و ص ۱۲۷ ب ۳۹ و... این باستان‌گرایی قدری از روانی کلام می‌کاهد. از سوی دیگر چنین جملاتی با معیارهای دستور امروز قابل توجیه نیست و معیارهای تاریخی خاص خود را می‌طلبد. بنابراین پیشنهاد می‌شود با توجه به جنبه آموزشی کتاب از کاربرد حروف اضافه به شیوه دستور تاریخی پرهیزند.^۱

۳- ص ۲۲ ب ۲۰: در توضیح مصرع «نام قضا خزدکن و نام قدر سخن» می‌نویسند: «کن: نام قضا را خرد بکن.» باید توجه داشت که فعل «نام کردن» به معنی نامیدن است و بهتر بود ایشان «نام کن» را توضیح می‌دادند نه «کن» را.

فردوسی می‌گوید:

«چو خندان شد و چهره شاداب کرد
ورانام ته‌مین سهراب کرد»
یا

«مرا مادرم نام مرگ تو کرد
زمانه مرا پتک تو کرد.»

۴- ص ۲۲ ب ۳۴: در توضیح مصرع «انصاف ده، مگوی جفا و مخور مرا» می‌آورند: یکی از معانی خوردن، تلف کردن و بریاد دادن است. درباره اصطلاح «مخور مرا» باید گفت این اصطلاح امروزه نیز کاربرد دارد و منظور از آن «با درستی و خشونت برخورد نکردن» است.

۵- ص ۲۲ ب ۳۵: با توجه به تصریح مؤلف در ص ۲۳ س ۵ که نوشته‌اند: «اما بیت بعدی نشان می‌دهد که خطاب شاعر با خدای تعالی است» بنابراین دیگر

لزومی ندارد که در آغاز توضیح بنویسند: «مخاطب بیت یا خدای تعالی است یا رسول اکرم.»

۶- ص ۲۷ نس ۱: منظور از «چرخ جنبی» آسمان است نه دنیا. چرخ خود به معنی فلک و آسمان، و ترکیب «چرخ جنبی» کنایه از آسمان است.^۲

۷- ص ۴۶ ب ۱۱: می خوانیم: «یکی از معانی بنوا، گروگان است» حال آن که «نوا» به معنی گروگان است:

«دلم نواست به مهر تو ای نوآیین بت
مکن به خیره تو جانم چو دل اسیر و نوا»^۳

۸- ص ۴۷ ب ۱۴: مؤلف «اژدهای صعب» را کنایه از گور دانسته اند. این تعبیر بعید به نظر می رسد و تناسب چندانی با ابیات قبل و بعد قصیده ندارد. احتمالاً مراد شاعر از «اژدهای صعب» در بیت «نفس اماره یا آرزوهای نفسانی» است که آدمی را از رسیدن به سعادت باز می دارد. ناصر در بخشی از دیوان گوید:
«این آرزو این خواجه چه اژدهایی است

بدخو که از آن بتر اژدها نیست»
(ص ۱۱۲ ب ۴۱)

۹- ص ۵۶ ب ۲۰: در توضیح بیت:

«چون دین و خرد هستان چه باکست

گر ملک دنیا به دست ما نیست؟»

نوشته‌اند: «ضمناً بیت تلمیح است به حدیث رسول اکرم که پوشیدن زر و حریر بر مردان حرام است» به نظر نگارنده، حدیث مذکور ارتباطی با بیت ندارد و باید حذف گردد.

۱۰- ص ۵۷ ب ۲۵: در توضیح بیت:

«آهوی محالات و آرزو را اندر دل من معدن چرا نیست»
ترکیب اضافی «آهوی محالات» را اضافه بیانی یا ملکی قلمداد می‌کنند. آهوی محالات اضافه تشبیهی است نه بیانی. شاعر دل خود را به چراگاه و آرزوهای دور و دراز و محال را از جهت زیبایی و فزاینندگی به آهو تشبیه کرده است.

۱۱- ص ۶۲ ب ۱۷: «درخت کین» را اضافه استعارگی گرفته‌اند حال آن که اضافه تشبیهی است. مانند «درخت دوستی» و «نهال دشمنی». در بیت معروف حافظ:^۴

«درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد

نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد»

۱۲- ص ۶۶: در توضیح بیت:

«سواران خفته‌اند وین اسب بر سرشان همی تازد

که نه کس را بکوبد سر نه کس را روی بشخاید»

آورده‌اند: «این اسب کنایه از روزگار یا مرگ است» با توجه به ارتباط عمودی ابیات، «این اسب» می‌تواند کنایه از روزگار باشد ولی هیچ قرینه‌ای در ابیات دیده نمی‌شود که بر مفهوم مرگ دلالت کند.

۱۳- ص ۷۹ ب ۱۴: به جای عبارت «نویسندگی به یکی از فرزندان کوچکی می مانست...» بهتر است بنویسیم: «نویسندگی به فرزند: کوچکی می مانست...»

۱۴- ص ۹۲ ب ۲۲: نوشته اند: «حکمتی نسبت به حکمت = حکمت آمیز» درست آن است که بنویسیم: حکمتی: منسوب به حکمت.

۱۵- ص ۹۶ ب ۱:

«اگر کار بوده است و رفته قلم چرا خورد باید به بیهوده غم؟»
بیت به آیه «عنده أم الكتاب» (رعد ۳۹/) و به حدیث «جفَّ القلم بما هو کائن»
تلمیح دارد که به آن اشاره نکرده اند.

۱۶- ص ۹۹ ب ۱۹ - ۲۰: شایسته بود مؤلف محترم در معنی واژه «نازش» به جای «خودفروشی» که بار معنایی منفی دارد، ترکیب «فخرفروشی» را به کار می بردند.

۱۷- ص ۱۱۰ ب ۲۵: آمده است: «رواشدم: روا شد مرا.» باید توجه داشت که در بیت:

«دنیا به قهر حاجت من می روا کند

از بهر آنکه حاجت دینی روا شدم»
ضمیر متصل «م» در «شدم» نقش مضاف الیهی دارد نه متممی، همانطور که خود نیز در معنی گفته اند: «نیاز دینی من روا شده است.»

۱۸- ص ۱۲۰ ب ۷: در بیت:

«گر گویمش این همان نگار است ترسم که ندارد استوارم»
 فعل «ترسم» معنی «یقین» را می‌رساند. نظیر آنچه در گلستان می‌خوانیم:
 «ای تهی دست رفته در بازار ترسمت پر نیاوزی دستار»
 (ص ۵۲)

«ترسم نرسی به کعبه‌ای اعزازی

کاین ره که تو می‌روی به ترکستان است»
 (ص ۱۸)

۱۹- ص ۱۲۱ ب ۱۲: «کافور سپید» و «عنبرتر» به ترتیب استعاره مصرّحه از موی سپید و موی سیاه است که به اشتباه کنایه نامیده شده است. ناصر در قسمتی از دیوان گوید:

«یکی گردنده گویی بر شد از دریا سوی گردون

که جز کافور و مروارید و گوهر نیست در کانش»
 (ص ۲۳۰ ب ۶)

و حافظ گوید:

ای که برمه کشی از عنبر سارا چوگان

مضطرب حال مگردان من سرگردان را»

۲۰- ص ۱۲۴ ب ۲۸: در مورد «بادوال» نوشته‌اند: «خربنده، سوارکار» که درست نمی‌نماید. به نظر می‌رسد مقصود از دوال، همان «تازیانه یا درّه» باشد. ناصر در بیتی کلمه «درّه» را در مقابل «ذوالفقار» به کار می‌برد:

من مرد ذوالفقارم و تو مرد درّه‌ای درّه کجا بس آید با ذوالفقار من. ۱۰
(ص ۲۹۹ ب ۳۳)

پس مرد با دوال، کنایه از صاحب قدرت است.^۶

۲۱- ص ۱۲۷ ب ۳۸: در توضیح مصرع «تا نیست سوی امیر بارم» می‌نویسند: «بارم: بار مرا» اضافه می‌کنیم: «را» در مرا: رای مفعولی. یا حرف اضافه به معنی «برای» نیست. رای اتصاف یا دارندگی است که معنی فعل اسنادی را به تام بدل می‌کند. دکتر خطیب رهبر با عنوان «رای مسندالیهی» از آن نام می‌برد.^۷

۲۲- ص ۱۳۴ ب ۶: می‌افزاییم: این بیت ارسال‌المثل است و اشاره دارد به مثل معروف «پلاس را با شوشتی پنبه نکنند» یا «خوش نباشد جامه نیمی اطلس و نیمی پلاس»؛ و ناظر بر این معناست که چیز ارزشمندی را فدای بی‌ارجی نمی‌کنند.^۸

۲۳- ص ۱۴۳ ب ۷: می‌نویسند: «ناصر در این بیت از جناس ناقص (چاچ و چاشت) استفاده کرده است...» که با توجه به تعریف جناس ناقص در کتب آرایه‌های ادبی نادرست است. جناس ناقص بر سه نوع است:

الف - جناس ناقص حرکتی مثل: بُرد و بُرد.

ب - جناس ناقص اختلافی مثل بخت و رخت.

ج - جناس ناقص افزایشی مثل: چمن و چمان. که دو واژه «چاچ و چاشت» در هیچ کدام از تقسیم‌بندی مذکور نمی‌گنجد.^۹

۲۴- ص ۱۵۸ ب ۳۶: نویسنده بیت را به گونه‌ای شرح کرده‌اند که گویی به نهاد توجه نداشته‌اند. در نتیجه معنی بیت به گونه‌ای است که پنداری مستنصر بالله از بابت در بانی قیصر، خدا را شکر می‌کند. لازم است معنی بیت را بدین صورت تغییر دهیم: «المستنصر بالله آن شخصیت بزرگواری است که اگر قیصر روم را برای درباری به پیشگاه خود بخواند، قیصر از این بابت خدا را شاکر خواهد بود.»

۲۵- ص ۱۶۰ ب ۳: به جای «انکار تواز ترسایان کاری عبث و بیهوده است» می‌توان نوشت: «انکار ترسایان کاری عبث و بیهوده است.»

۲۶- ص ۱۶۲ ب ۲: به معنی کنایه «کرکسی گرفتن» اشاره نکرده‌اند. «کرکسی رفتن» کنایه از پست و فرومایه شدن است.^{۱۰} خاقانی گوید:
«ننگ دارم که شوم کرکس طبع کز خرد نام همای است مرا»

۲۷- ص ۱۶۵ ب ۴: نوشته‌اند: «باز که... بکشد: باز پیشوندی است که بر سر افعال درآید به معنی دوباره، از نو، بار دیگر، یعنی بار دیگر و از نو بکشد.» باید خاطر نشان کرد که «باز» در مصرع «تا باز که او را بکشد آنکه ترا کشت» پیشوند فعلی نیست بلکه قید تکرار است. دستورنویسان در تعریف فعل‌های پیشوندی می‌نویسند: «فعلی است که از یک پیشوند و یک فعل ساده ساخته می‌شود؛ به طوری که پیشوند موجود، مفهوم فعل ساده را تا حدی تغییر می‌دهد.^{۱۱} به بیان دیگر، پیشوند فعلی به تنهایی معنا ندارد و اگر به تنهایی دارای معنا باشد، بسته به معنایی که در کلام از آن اراده می‌شود، مقوله دستوری خاص خود را می‌طلبد. برای مثال «باز» اگر به معنی «گشاده» باشد، صفت و اگر

به معنی «دوباره» باشد، قید است:

«شرمش از چشم می پرستان. باد
 و اگر با فعل ترکیب شود، پیشوند است:

«اگر آن طایر قدسی ز درم باز آید. عمر بگذشته به پیرانه سزم باز آید»

از سوی دیگر اگر «باز» را پیشوند فعلی به شمار آوریم، «بازگشی» چه مفهومی دارد؟ آیا می توان کشته را از نو کشت؟ مؤلف بیت را درست برخلاف گفته خود شرح کرده اند.

ب - ضبط و ارجاع نادرست ابیات

نویسنده در سراسر کتاب، هنگام نقل مطالب، منابع را ذکر می کنند و بدین ترتیب ضمن حفظ حرمت امانت، این شیوه پسنندیده را به دانشجوی می آموزند، اما گاهی در ضبط ابیات و ارجاع صفحات به خطا می روند، نگارنده کوشیده است موارد اشتباه را در جدول (۱ و ۲) ارائه نماید:

جدول شماره (۱): ارجاع نادرست ابیات

شماره صفحه سی قصیده	مصراع اول ابیات	ارجاع نادرست	ارجاع درست براساس منابع
۱ ص ۳	مقرّم به مرگ و به حشر و حساب...	ص ۱۹۰	دیوان ناصر خسرو (ص ۴۰۰ ب ۷)
۲ ص ۶	کتاب ایزد است ای مرد دانا معدن حکمت...	ص ۴۴۰	دیوان ناصر خسرو (ص ۴۰ ب ۲۳)
۳ ص ۱۳	گویی به فلان جای یکی سنگ شریف است...	ص ۱۱۳	دیوان ناصر خسرو (ص ۵۱۳ ب ۱۷)
۴ ص ۲۷	ای خداوند این کی بود خراس...	ص ۳۴۸	دیوان ناصر خسرو (ص ۴۳۸ ب ۱)
۵ ص ۳۰	آنکو به هندوان شد یعنی که غازی ام ^{۱۲} ...	ص ۴۷۸	دیوان ناصر خسرو (ص ۵۴ ب ۴۹)
۶ ص ۳۲	میانه چون صراط مستقیم است...	ص ۳۸	گلشن راز (ص ۹۲)
۷ ص ۴۹	ندارد اختیار و گشته مأمور...	ص ۱۷	گلشن راز (ص ۹۰)
۸ ص ۴۹	به میان قدر و جبر ره راست بجوی...	ص ۴۶	دیوان ناصر خسرو (ص ۲۱ ب ۲۳)
۹ ص ۵۵	چو تازی فرس بدلگا می کند...	ص ۲۰۹ خسرو شیرین	شرف نامه نظامی (ص ۱۵۲)
۱۰ ص ۶۱	چشم دلت از خواب غفلت باز کن...	ص ۱۸۴	دیوان ناصر خسرو (ص ۴۳۵ ب ۲۸)
۱۱ ص ۹۱	هر یکی از بهر صید این ضغفا را ^{۱۳} ...	ص ۲۲۴	دیوان ناصر خسرو (ص ۲۴۴ ب ۳۳)
۱۲ ص ۹۲	نیستی آگه چه گویم مر ترا من جز همانک...	ص ۲۱۲	دیوان ناصر خسرو (ص ۴۹۶ ب ۳۶)
۱۳ ص ۹۹	از علت بودش جهان بررس...	ص ۴۰۶	دیوان ناصر خسرو (ص ۱۸۲ ب ۳۲)
۱۴ ص ۱۲۲	با یاد جنوبی شوی جنوبی...	ص ۴۲۶	دیوان ناصر خسرو (ص ۴۶۶ ب ۳۰)
۱۵ ص ۱۲۴	ای حجت بنشسته به یمگان و سخنهات...	ص ۴۸۱	دیوان ناصر خسرو (ص ۴۸۷ ب ۸۵)
۱۶ ص ۱۳۳	شو حذر دار حذر زین یله گویاره...	ص ۶۱	دیوان ناصر خسرو (ص ۴۱۲ ب ۲۴)
۱۷ ص ۱۵۷	نه بر سر راهش ام غیلان...	ص ۳۱۹ دیوان اشعار	تحفة العراقین (ص ۷۸)
۱۸ ص ۱۵۷	حجت به نصیحت مسلمانی ^{۱۴} ...	ص ۲۰۷	دیوان ناصر خسرو (ص ۶۰ ب ۱۵۳)
۱۹ ص ۱۶۷	«حاشیه مرحوم مینوی بر دیوان ناصر خسرو»	ص ۶۹۰	دیوان ناصر خسرو (ص ۷۲۲)

جدول شماره (۲): ضبط نادرست ابیات

شماره صفحه سی تصیده	ضبط درست بیت	شماره صفحه و بیت براساس مأخذ
۱ ص ۲ س ۱	خواندن فرقان و زهد و علم و عمل مونس جان اند هر چهار مرا	دیوان ناصر خسرو (ص ۱۲۵ ب ۲۰)
۲ ص ۵ س ۳۰-۳۱	حکیم فلسفی چون هست حیران نمی بیند ز اشیا جز که امکان از امکان می کند اثبات واجب از این حیران شد اندر ذات واجب	گلشن راز (ص ۷۰)
۳ ص ۸ س ۵	نیستی برگه شاهی مگر عذار و بی باکی نیایی بر سر منبر مگر زرقاق و کنانایی	دیوان ناصر خسرو (ص ۴۷۸ ب ۳۶)
۴ ص ۱۲ ب ۱۳	مخرام و مشو خرم از اقبال زمانه زیرا که نشد وقفه تو این کز غمرا	دیوان ناصر خسرو (ص ۶۶ ب ۴۷)
۵ ص ۱۴ س ۱	آزر به صنم خواند مرا و تو به سنگی امروز مرا پیش به حقیقت توی آزر.	دیوان ناصر خسرو (ص ۵۱۳ ب ۹۱۸)
۶ ص ۱۴۵ س ۱۸	اسرار از دل را نه تو دانی و نه من وین خط معما نه تو خوانی و نه من	رباعیات خیام (ص ۱۷۳)
۷ ص ۱۸۶ ب ۳۵	ای آنکه دین تو بخردیم به جان خویش از جور این گروه خران باز خرمرا	دیوان ناصر خسرو (ص ۱۳ ب ۳۹)
۸ ص ۲۸ س ۶	ما خود ز تو این چشم نداریم از یراک ترکی تو و هرگز نبود ترک وفادار	دیوان سنایی (ص ۲۰۷)
۹ ص ۳۸ ب ۱۱	عامه بر من تهمت دینی ز فضل من برند بر سرم فضل من آورد این همه شور و جلب ۱۵	دیوان ناصر خسرو (ص ۹۷ ب ۱۱۹)

۴۷۰	نقدی بر «سی قصیده ناصرخسرو»		
دیوان ناصرخسرو (ص ۲۱ ب ۲۲)	به میان قدر و جبر رود اهل خرد راه دانا به میانه‌ی دوره خوف و رجاست	ص ۴۹ س ۱۰	۱۰
دیوان ناصرخسرو (ص ۲۴ ب ۲۱)	از مرد خرد بپرس ازیرا جز تو به جهان خردوران هند	ص ۶۰ ب ۲۰	۱۱
دیوان ناصرخسرو (ص ۲۴ ب ۲۲)	تدبیر مکن مباش عاجز سر خیره میبچ در فراقند	ص ۶۰ ب ۲۱	۱۲
دیوان سنایی (ص ۳۰۹)	خاک بر سر دبیر حضرت را چون ندانند همی: یمین غموص	ص ۶۲ س ۶	۱۳
مثنوی (دفتر ۲ ب ۲۹۰۹)	شرع بی تقلید می پذیرفته‌اند بی محک آن نقد را بگرفته‌اند	ص ۷۰ س ۱۲	۱۴
دیوان ناصرخسرو (ص ۳۸ ب ۱۴)	تو و فرزند تو هر دو ز این اسپید لیکن تو همی گاهی براین هموار و فرزندت می‌افزاید	ص ۷۱ س ۶	۱۵
دیوان سنایی (ص ۲۸۶)	تا تو در زیر غبار آرزو داری قرار در جهان دل نبینی چشم جان هرگز قرین	ص ۷۸ س ۲۸	۱۶
شرف‌نامه نظامی (ص ۴۷)	بدین دلقریبی سخنهای بگر به سختی توان زادن از راه فکر	ص ۷۹ س ۱۹	۱۷
دیوان ناصرخسرو (ص ۱۵۳ ب ۳۵)	از سخنهای من پدید آمد بر تن آستین حق طراز	ص ۹۱ س ۵	۱۸
دیوان ناصرخسرو (ص ۱۵۲ ب ۱۱۳)	تواند کسکش کُرد به قهر تواند کسکش برید به گاز	ص ۹۱ س ۲۰	۱۹
دیوان ناصرخسرو (ص ۱۸۲ ب ۳۲)	از علت بودش جهان بررس بفکن به زبان دهریان سودا	ص ۹۹ س ۱۹	۲۰
مثنوی (دفتر ۱ ب ۳۷۵۷)	راز بگشای علی مرتضی ای پس از سوء القضا حسن القضا	ص ۱۱۴ س ۱۰	۲۱

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی		۴۸
دیوان ناصر خسرو (ص ۴۱۹ ب ۴۷)	ای بار خدای خلق یکسر با تست به روز حق شمارم.	ص ۱۱۹ ب ۴۷
دیوان ناصر خسرو (ص ۳۷ ب ۱۶)	هر روز به مذهب دگر باشی که در چه ژرف و گاه بر بامی	ص ۱۲۲ س ۲۹
دیوان ناصر خسرو (ص ۲۹۷ ب ۱۳)	زیشان برست گیر و پشد یکسو بر دوخته رگوبه کشف ساره	ص ۱۳۲ ب ۱۳
دیوان فرخی (ص ۲۴۳)	الم از دلها برگیرد و تا بوده هنگرز بر دل کس نهاد پست به یک موی الم	ص ۱۳۲ س ۸
دیوان ناصر خسرو (ص ۲۹۷ ب ۹)	دزد پست آشکاره که نستاند جز باغ و حایط و رز و آبکاره	ص ۱۳۹ س ۲۲
دیوان سنایی (ص ۱۰۹)	کسی کاندز صف گبران به پتخانه کمر بندد برابر کی بود با آن که دل در خیر و شر بندد	ص ۱۴۴ س ۲۰
دیوان ناصر خسرو (ص ۲۴۴ ب ۲۷)	هیچ از آن فضل نداند تو را بهری یا سزاوار ندیدندت و ارزانی	ص ۱۴۸ ب ۲۷
دیوان ناصر خسرو (ص ۶۰ ب ۴۱)	امروز همی به مطربان بخشی شرب شطوی و شعر گرگانی	ص ۱۵۴ س ۵
حدیقه سنایی (ص ۱۵۵)	کرده امر خلیای در هر فن قوتی را به فعلی آییستن	ص ۱۵۴ س ۲۸ - ۲۹
حدیقه سنایی (ص ۴۷۴)	علم دانی و لیک علم حیل سیم داری و لیک سیم دغل	ص ۱۵۷ س ۴
دیوان ناصر خسرو (ص ۱۶۸ ب ۴۳)	تو مؤمنی گرفته محمد را او کافر است و گرفته مسیحا را	ص ۱۵۹ س ۲-۳
دیوان ناصر خسرو (ص ۱۶۸ ب ۴۴)	ایشان پیامبران و رفیقان اند چون دشمنی تو ببهده تر سا را	

نقدی بر «سی قصیده ناصر خسرو»		۴۹
ص ۱۶۱ ب ۲	راست چو چیزی بدست کرد و قوی گشت گر تو بدو بنگری چو شیر بفرزد	دیوان ناصر خسرو (ص ۵۲ ب ۳)
ص ۱۶۳ س ۱۱	آنکه که شدی ضعیف بنشین با زهد چو بویزد بسطامی	دیوان ناصر خسرو (ص ۳۸ ب ۲۰)

ج - نکاتی درباره خودآزمایی‌ها و هدفهای آموزشی

۱ - ص ۱۱: در هدفهای آموزشی درس اول می‌خوانیم «انتظار می‌رود دانشجو با مطالعه این درس بتواند تنزیل و تأویل را توضیح دهد.»

یکی از اصول مهم عقاید اسماعیلیه «تأویل» است که دانشجو بدون آشنایی با آن و دیدگاه ناصر خسرو به عنوان یک اسماعیلی مذهب هرگز قادر به درک معنی ابیات نخواهد بود؛ متأسفانه مؤلف، در مقدمه و توضیحات کتاب به طور مبسوط به آن نپرداخته، فقط در سه سطر اول صفحه (۱۳) با استناد به کتاب «تعریفات جرجانی» درباره آن توضیح داده‌اند، هر چند دانشجو در درس «آشنایی با علوم قرآنی» اصطلاح تأویل و معانی آن را به اختصار می‌آموزد اما این آگاهی اندک، پاسخگوی نیاز وی در درس ناصر خسرو نیست.

مقدمه جامع «شرح هفده قصیده از ناصر خسرو قبادیانی» نشان می‌دهد که ایشان اطلاعات مفیدی در این باره دارند اما این که چرا در شرح اشعار ناصر خسرو برای دانشگاه پیام نور از این نکته مهم گذشته‌اند، جای سؤال است! این اشکال بر هدف آموزشی شماره (۶) در صفحه (۳۷) و (۴۳) نیز وارد است.

۲ - ص ۱۶: در خودآزمایی (۶) سؤال را باید به این صورت تغییر داد: «خطّ

معما» در مصراع «برخوانی در چاه به شب خط معما» به کدام گزینه اشاره دارد؟

۳- ص ۲۳: در خودآزمایی (۴) «پرطاعت» اضافه تشبیهی است نه استعاری. شاعر اطاعت را به پری تشبیه کرده است که به وسیله آن قادر به پرواز است. وجه شبه؛ توانایی پرواز. ناصر در جایی دیگر گفته است:
«پرت از پرهیز و طاعت کرد باید، کز حجاز

جعفر طیار بر علیا بدین طاعت پرید»
(ص ۵۳ ب- ۱۷)

۴- ص ۲۵: در هدف آموزشی شماره (۴) آمده است: «انتظار می‌رود دانشجو پس از مطالعه دُرس قادر باشد در مورد سلطان محمود و سلسله‌های معاصر او، قیصر و برج توضیح لازم بدهد.» بهتر بود قیصر و برج را در پرسش دیگری مطرح می‌کردند تا این توهم برای دانشجو پیش نیاید که قیصر و برج از معاصران سلطان محمود بودند.

۵- ص ۳۴: خودآزمایی (۳) دو پاسخ صحیح دارد. این ویژگی در مورد پرسش‌های (۶ و ۷) صفحه (۳۵) نیز صادق است. با توجه به این که روال دانشگاه پیام‌نور در کتابهای درسی، طرح پرسش‌های چهارگزینه‌ای است بنابراین باید از آوردن پرسش‌هایی که دو پاسخ صحیح دارند، پرهیز شود زیرا با اصول سنجش و ارزشیابی نیز هماهنگ نیست.^{۱۸}

۶- ص ۳۵: در خودآزمایی (۶) آورده‌اند: «چرا خانه خُدا در مکه را کعبه

نامیده‌اند؟»

کاربرد درست اجزای جمله در جای خود، بر روانی کلام می‌افزاید، پس پرسش را باید به این صورت تغییر دهیم:

چرا خانه خدا را در مکه کعبه نامیده‌اند؟ همچنین بهتر است در ص (۴۲) خودآزمایی (۷) و ص (۵۹) هدف آموزشی (۵) و ص (۱۴۱) هدف آموزشی (۳) را بدین صورت طرح کنیم:

«آرای ناصرخسرو را در این قصیده توضیح دهید.» «خلاصه اندیشه‌های ناصر را در این قصیده بیان کند.» و «پیام ناصرخسرو را در این ابیات به اختصار بنویسد.»

۷ - ص ۴۲: خودآزمایی (۴) کامل نیست. می‌توانیم در طرح پرسش بنویسیم: مراد از «خویشتن را فتنه ساختن» در مصراع «فتنه سازد خویشتن را چون به دست آرد عذب» کدام است؟

۸ - ص ۵۸: پرسش (۶) بدین ترتیب کامل می‌شود: نوع اضافه «آهوی مُحالات» در کدام گزینه آمده است؟ شارح در پاسخ خودآزمایی، نوع اضافه را بیانی یا بلکی ذکر کرده‌اند که صحیح نیست. به این مورد در بحث «کاستی‌های بخش توضیحات» اشاره شد.

۹ - ص ۱۵۸: خودآزمایی اول را می‌توان به صورت زیر اصلاح کرد: کدام گزینه درباره «تنگی بی‌راحت» صحیح است؟

بررسی هدفهای آموزشی و خودآزمایی‌های کتاب نشان می‌دهد که

در اهداف آموزشی آمده در پاره‌ای موارد عیناً همان مطالبی است که در قسمت خودآزمایی به شکل سؤال طرح شده‌اند: برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف: درس (۸) هدف آموزشی (۴ و ۵) در خودآزمایی‌های (۵ و ۶).

ب: درس (۹) هدف آموزشی (۳) در خودآزمایی (۲).

ج: درس (۱۰) هدف آموزشی (۴) در خودآزمایی (۶).

د: درس (۱۲) هدف آموزشی (۳) در خودآزمایی (۱).

این تکرارها جز پرحجم کردن کتاب بهره‌ای ندارد. بنابراین، بایستته است برای هدفهای آموزشی و خودآزمایی‌های کتاب طرح دیگری اندیشیده شود. شاید مناسب‌ترین راهکار این باشد که بیاییم قصاید را به دو یا سه بخش تقسیم کنیم و هدفها و پرسشها را با تنوع بیشتری رقم بزنیم:

د - غلطهای چاپی و نگارشی

شماره صفحه	سطر سی قصیده	غلط	درست
۲	ص ۲ زیر عنوان ناصر خسرو	۲۸۴	۱۹۳۹۴
۲	ص ۲ س ۲	نسبتاً	نسبتاً
۲	ص ۴ س ۱۱	مصنکازفات	مصنکات
۴	ص ۶ س ۱۵	چون کنی	چون کنی
۵	ص ۸ س ۱۶	ایمه	ایمه
۶	ص ۱۱ ب ۱	برنا	برنا
۷	ص ۱۵ س ۹	رستاخیز	رستاخیز
۸	ص ۱۵ س ۲۱	سبب شوری	به سبب شوری

تقدی بر «سی قصیده ناصر خسرو»		۵۳
زول مهل	زول مول	ص ۲۰ س ۱۱
ابن اثیر	ابن اثیر	ص ۳۰ س ۶
تم	تم	ص ۲۲ س ۱۸
دلیل استوار	دلایل استوار	ص ۴۱ س ۵
چه مقصدی داشت	چه مقصودی داشت	ص ۴۵ س ۲
به میل اراده خود	به میل اراده خود	ص ۴۵ س ۵
استک	است که	ص ۵۱ ب ۷
ک راه	یک راه	ص ۵۲ ب ۱۴
زمانه - نه یاروزگار	زمانه یاروزگار	ص ۵۲ س ۱۴
در بیت (۶) می گوید	در بیت (۷) می گوید	ص ۵۲ س ۲۴
حبدا	حبدا	ص ۶۰ س ۶
تحذیر	تحذیر	ص ۶۲ س ۱
عمد	عمد	ص ۶۳ س ۲۴
لِطَفِيؤَا	لِطَفِيؤَا	ص ۶۸ س ۲۸
علاقه مند	علاقه مند	ص ۸۱ س ۲۴
مِن وَلِدِ الْعِبَاسِ	مِن وَلِدِ الْعِبَاسِ	ص ۹۲ س ۲
چگونه گوئیم	چگونه گوئیم	ص ۹۲ س ۲۴
بیشتر	بیشتر	ص ۹۲ س ۲۶
يَفْعَلُ	يَفْعَلُ	ص ۹۶ س ۱۳
برخورداری	برخورداری	ص ۱۰۴ س ۲۰
طنز	طنز	ص ۱۰۷ س ۲۱
رای	رای	ص ۱۰۸ س ۲

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی		۵۴
مکر	مکر	ص ۱۰۸ س ۸
طعام مسکین	طعام مسکین	ص ۱۲۱ س ۱۸
روباه	دوباه	ص ۱۲۲ س ۱۵
می زود	می رو	ص ۱۲۳ س ۲۸
عمروین عید	عمروین عید	ص ۱۲۵ س ۴
لَنْ يَنْفَرَا	لَنْ يَنْفَرَا	ص ۱۲۶ س ۲۰
حظوظ	حظوظ	ص ۱۲۶ س ۳۰ و ۳۱
التفات	التفات	ص ۱۴۴ س ۱۴
بددین	بدین	ص ۱۵۲ س ۲۶
المستضر بالله	المستضر بالله	ص ۱۵۷ س ۲۸
تنگی بی راحت	دلتنگی بی راحت	ص ۱۵۸ س ۱۱
ورقه	ورقه	ص ۱۶۴ س ۲۴

علاوه بر مطالب یادشده، شتابزدگی و بی دقتی به هنگام چاپ سبب شده کلماتی زاید در بافت سخن راه یابد که برای نمونه می توان خواننده را به نکات زیر توجه داد:

۱ - ص ۳ آخر: «ردیف شود» زاید است.

۲ - ص ۴۵ ذیل توضیح ب ۳: سه سطر اول به توضیح بیت (۱۱) مربوط است و باید حذف گردد.

۳ - ص ۱۱۲ س ۱۶: در عبارت «مطابق حدیثی معروف به حدیث کساء،

جامه‌یی به خود ریخته پیچیدند.» واژه «ریخته» اضافی است.

۴ - ص ۱۴۲ ذیل توضیح ب ۱: علامت سؤال در وسط عبارت «ای کسی که
همنشین باده و جام شده‌ای؟ آیا تا عمر دازی...» زاید است.
در پایان بیان این نکته را بر خود واجب می‌دانم که مطالب فوق به
هیچ عنوان از زحمات استاد گرانمایه و اثر ارزشمندشان نمی‌کاهد چرا که بنده
فقط نکات درخور اصلاح را از دیدگاه خود بررسی کرده‌ام.

پی‌نوشتها

- * شماره صفحات ابیات براساس دیوان ناصر خسرو به کوشش منجبتی-مینیوی. و
- ۱- مهدی-محقق است که در صفحات بعدی با عنوان: نسخه «م-م» یاد می‌شود.
- ۱- ترک کتاب «کار نگارش و انشا (۲)، آموزش-مهارت‌های نگارشی و ویرایشی»، حسن ذوالفقاری، ص ۲۰۴.
- ۲- فرهنگنامه شعری، ج اول، ذیل چرخ، و نیز فرهنگ معین، ج یک ذیل چرخ.
- ۳- نقل از لغت فرس، ذیل واژه نوا.
- ۴- صدای سخن عشق. دکتر حسن انوری ص ۲۲۳ و نیز کتاب نگارش و دستور، سال دوم آموزش متوسطه، رشته ادبیات و علوم انسانی ص ۱۴.
- ۵- دیر مغان. دکتر کزازی ص ۱۴۴ و نیز شناخت زیبایی. دکتر جهانبخش نوروزی ص ۲۳۶.
- ۶- تحلیل اشعار ناصر خسرو. دکتر محقق. ص ۱۷۴.
- ۷- دستورنامه. محمدجواد مشکور ص ۱۹۱ و دستور زبان فارسی، حروف اضافه و ربط، دکتر خطیب رهبر ص ۳۷۰.
- ۸- کوچه. احمد شاملو. ذیل پلاس و رک: تحلیلی بر اشعار ناصر خسرو ص ۲۹۴.
- ۹- آرایه‌های ادبی. سال سوم دبیرستان. رشته ادبیات و علوم انسانی ص ۱۴۵. و نیز شناخت زیبایی... دکتر جهانبخش نوروزی ص ۱۳۶.
- ۱۰- فرهنگنامه شعری، رحیم عقیفی، ج سوم ذیل کرکس طبع.
- ۱۱- تاریخ زبان فارسی، دکتر پرویز خانلری، ج دوم، صص ۱۲۰-۱۲۶ و

- دستور زبان فارسی، محمدعلی اسلامی ندوشن ص ۱۳۱ و نگارش و دستور سال دوم، آموزش متوسطه، رشته ادبیات و علوم انسانی ص ۳۰.
- ۱۲- بیت در نسخه «م-م» نیست و با کمی تغییر در نسخه نصراله تقوی دیده می‌شود.
- ۱۳- بیت در ص (۱۳۷) نسخه «م-م»، آمده و شماره صفحه براساس متن نصراله تقوی است.
- ۱۴- مؤلف بی هیچ اشاره‌ای از متن نصراله تقوی استفاده کرده‌اند.
- ۱۵- در نسخه نصراله تقوی به جای «برند»، «نهند» آمده است. مؤلف در «سی قصیده» بی هیچ توضیحی «زنند» آورده‌اند؛ اگر به تصحیح قیاسی دست زده‌اند باید متذکر می‌شدند.
- ۱۶- مؤلف بی لیل نسخه بدل را برگزیده و به آن اشاره نکرده‌اند.
- ۱۷- مؤلف خواننده را به دیوان فرخی چاپ عبدالرسولج ارجاع داده‌اند باید چاپ دبیر سیاقی درست باشد.
- ۱۸- روش‌های اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، دکتر علی‌اکبر سیف، ص ۲۲۶.
- ۱۹- ناصر خود در بیتی گوید:
- «بگذشته ز هجرت پس سیصد، نود و چار.
- بنهاد مرا مادر بر مرکز اغبر»
(ص ۵۰۷ پ ۲۷)

فهرست منابع

- ۱- آیتی، عبدالمحمد. قرآن کریم. انتشارات توس، ۱۳۶۷.
- ۲- اسلامی ندوشن، محمدعلی؛ دستور زبان فارسی. انتشارات مشعل، تهران، ۱۳۶۷.
- ۳- انوری، حسن. صدای سخن عشق. انتشارات سخن، ۱۳۷۶.
- ۴- تقوی، سیدنضاله. دیوان اشعار حکیم ابومعین. حمیدالدین ناصرخسرو قبادیانی، چاپ گلشن، ۱۳۴۸.
- ۵- حلبی، علی اصغر. سی قصیده ناصرخسرو. چاپ نهم، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۸.
- ۶- حلبی، علی اصغر. شرح هفده قصیده از ناصرخسرو قبادیانی. انتشارات اساطیر، ۱۳۷۳.
- ۷- خطیب رهبر، خلیل. دستور زبان فارسی کتاب حروف اضافه و ربط. انتشارات سعدی، ۱۳۶۷.
- ۸- دبیر سیاقی، محمد. دیوان حکیم فرخی. کتابفروشی زوار، ۱۳۷۱.
- ۹- دستگردی، وحید. کلیات حکیم نظامی، چاپ دوم، انتشارات علمی، ۱۳۶۳.
- ۱۰- ذوالفقاری، حسن. کارنگارش و انشا (۲) آموزش مهارت‌های نگارشی و ویرایشی، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
- ۱۱- سلطانی‌گرد فرامرزی، علی‌اکبر. نگارش و دستور، سال دوم دبیرستان، شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۰.
- ۱۲- سیف، علی‌اکبر. روشهای اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی. نشر دوران،

۱۳۶۷.

۱۳- شاملو، احمد. کتاب کوچه، جلد هفتم، دفتر اول (حروف پ) چاپ اول، انتشارات مازیار، ۱۳۷۸.

۱۴- عفیفی، رحیم. فرهنگنامه شعری، چاپ اول، انتشارات سروش، ۱۳۷۲.

۱۵- فروزانفر، بدیع الزمان. احادیث مثنوی، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱.

۱۶- فروغی، محمدعلی و غنی، قاسم. رباعیات خیام. انتشارات زوار، ۱۳۲۰.

۱۷- قریب، یحیی. تحفة العراقین خاقانی. تهران، ۱۳۵۷.

۱۸- کزازی، میرجلال الدین. دیر مغان. نشر قطره، ۱۳۷۵.

۱۹- مجتبیایی، فتح اله و صادقی، علی اشرف. لغت فرس، چاپ اول، چاپخانه آری، ۱۳۶۵.

۲۰- محقق، مهدی. تحلیل اشعار ناصرخسرو. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

۲۱- محقق، مهدی. شرح سی قصیده از حکیم ناصرخسرو قبادیانی. چاپ اول، انتشارات توس، ۱۳۶۹.

۲۲- مدرس رضوی، محمدتقی. حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه حکیم سنایی. انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۸.

۲۳- مدرس رضوی، محمدتقی. دیوان حکیم سنایی، تهران، ۱۳۲۰.

۲۴- مشکور، محمدجواد. دستورنامه. چاپ سیزدهم، انتشارات شرق، ۱۳۶۸.

۲۵- معین، محمد. فرهنگ معین. چاپ هفتم، چاپخانه سپهر، ۱۳۶۴.

۲۶- مینوی، مجتبی و محقق، مهدی. دیوان ناصرخسرو. انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۵.

۲۷- موحد، صمد. گلشن راز شیخ محمود شبستری. چاپ گلشن ۱۳۶۸.

- ۲۸- ناتل خانلری، پرویز. تاریخ زبان فارسی. چاپ دوم، نشر نو، ۱۳۶۶.
- ۲۹- نوروزی، جهانبخش. شناخت زیبایی، نشر راهگشا، ۱۳۷۲.
- ۳۰- نیکلسون، رینولد. مثنوی معنوی، مولانا جلال‌الدین بلخی. چاپ چهارم، انتشارات مولی، ۱۳۶۵.
- ۳۱- هادی، روح‌الله. آرایه‌های ادبی، سال سوم دبیرستان، رشته ادبیات و علوم انسانی، چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۴.
- ۳۲- یوسفی، غلامحسین. گلستان سعدی. چاپ اول، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸.